

تحلیل فیلم سینمایی خانه پدری و تعارض‌های فرهنگی آن در آیین حقوق خانواده

میلاذ جعفری جوزانی^۱

مینا رحیمی^۲

چکیده

این مقاله با توجه به مضمون فیلم سینمایی خانه پدری با تمرکز به بررسی تعارض‌های فرهنگی نشئت گرفته از آداب و رسوم قومی و قبیله‌ای بر فرهنگی که، عنصر اصلی آن پنهان‌کاری را پرورش و با خشونت، خود را قاضی و مجری این دیدگاه معرفی می‌نماید را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به بررسی روش‌ها و نحوه مطالعه فرهنگ‌های مختلف در مواجهه با رفتارهای مجرمانه و خشن که توسط اعضای خانواده در قتل‌های ناموسی در بستر جامعه و پرده سینما ارتکاب می‌یابد و موجب جریحه دار شدن احساسات و وجدان عمومی می‌شود، با تعریف، نقش و اهمیت این رفتار مجرمانه و ارائه راهکارهای فرهنگی و روان‌شناسی جنایی در راستای امنیت روانی و نظم جامعه موضوع را بررسی نموده‌ایم.

واژگان کلیدی

خانه پدری، تعارض‌های فرهنگی، قتل ناموسی، حقوق خانواده، نظم اجتماعی.

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی. دانشگاه بوعلی‌سینا. وکیل دادگستری. همدان. ایران
Milad.jozani@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. دانشگاه بوعلی‌سینا/ وکیل دادگستری. همدان. ایران

مقدمه

بررسی فیلم سینمایی خانه پدری و تعارض‌های فرهنگی آن در آیین حقوق خانواده با هدف علت‌یابی پدیده مجرمانه قتل ناموسی با ترسیم مختصات، تعاریف و دلایل آن و ارائه راهکاری برای کاهش و حذف این رفتار مجرمانه با طرح سؤال‌هایی مبنی بر اینکه دلیل و اشاعه خشنونت در حجمی خشن و بی‌رحمانه نسبت به ارتکاب جرم علیه تمامیت جسمانی و حد اعلی این‌گونه جرایم که همانا از هاق النفس می‌باشد در قلمرو خانواده چیست و آیا الگوهای رفتاری و فرهنگی بدون ضمانت اجرا (کنشی) و قانون‌های لازم الاجرا (واکنشی) در تحقق یا تنزل میزان ارتکاب این پدیده مجرمانه سهمی دارند یا خیر و با استفاده از حذف یا تعدیل دلایل آن در جهت ارائه مدلی مناسب برای مقابله با این پدیده مجرمانه، اقدام‌هایی انجام داد. در هنر هفتم ایران در فیلم‌های سینمایی مختلفی به موضوع قتل ناموسی یا به اشکال تصویری به ترسیم این‌گونه رفتار حتی به صورت قتل‌های ناموسی نافرجام مختلف پرداخته است که می‌توان از این جمله آثار به فیلم‌های مشابه عروس آتش، زندگی با چشمان بسته، شنای پروانه، مغزهای کوچک زنگ‌زده، اعتراض و... اشاره نمود. فیلم خانه پدری، فیلمی به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی کیانوش عیاری، محصول سال ۱۳۸۹ که موضوع این پژوهش است به دلیل وجود یک صحنه خشن با مشکلاتی در اکران روبرو و در روز اول اکران عمومی از پرده پایین کشیده شد. قتل‌های ناموسی از زمره قتل‌های سنتی از دیرباز در جوامع و دوره‌های مختلف در نگاه جرم‌شناسان مورد توجه بوده است. در سیاست تقنینی ایران نیز موادی از قانون مجازات ۱۳۰۴ با عنوان قتل در فراش و یا ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسبت به همسر و در ماده ۳۰۱ قتل فرزند توسط پدر و در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، نسبت به اطرافیان اعم از برادر یا فرد ثالثی نیز گسترش یافته است.

۱- گفتار اول

در این گفتار به تعاریف و تمایز الفاظ مورد تلفظ برای روشن شدن هرچه بیشتر در جهت قابل ادراک کردن نتیجه پژوهش می‌پردازیم.

۱-۱- مبحث اول گفتار نخست: تعاریف

جنایت ایراد هرگونه صدمه دارای کیفر شرعی (مانند قصاص، دیات، ارش یا كفاره) به تمامیت جسمی انسانی یا حیوانی تعریف شده است. البته واژه جنایت در لغت لسان العرب و مجمع‌البحرین واژه جنی و نیز متون دینی معادل واژه ذنب و معصیت یعنی ارتکاب گناه آمده است.

در کلمات فقها جنایت به معنای ارتکاب حرام در حال احرام حج یا کارهای ممنوع در محدوده حرم جراحات و یا شکستگی و مانند اینها است؛ اما معنای خاص فقهی آن وارد کردن صدمه بدنی به دیگری است؛ اعم از کشتن ایراد به کار رفته است.

گستره جنایت بر حیوان و حتی جنایت توسط حیوان را دربرمی‌گیرد؛ البته برخی قدما آن را در مفهومی فراتر از صدمه زدن به تمامیت جسمی انسان و حیوان به کار برده و بر خساراتی که حیوانات به اموال دیگران وارد می‌کنند نیز عنوان جنایت اطلاق می‌شود.

برخی قدما ارتکاب گناهان موجب حد را نیز از موارد جنایات برشمردند و عده‌ای دیگر گستره جنایت را به نوشیدنی‌های حرام و ارتکاب کارهای خلاف عفت مانند زنا و جنایت بر دیگری تعمیم داده‌اند؛ جنایت بر دیگری را اعم از جنایت بر نفس و مال و عرض دانسته و جنایت بر نفس را به جنایت بر انسان و حیوان؛ به کشتن و وارد کردن آسیب بدنی و جنایت بر مال را به دزدی و آنچه در حکم دزدی است؛ مانند نبش قبر و برداشتن کفن، و جنایت به عرض را، قذف و گفتن سخنان آزاردهنده تقسیم کرده‌اند؛ اما معروف و مشهور در معنای جنایت همان ایراد صدمه به تمامیت جسمی انسان یا حیوان است و برای اتلاف مال و وارد کردن زیان‌های مالی بیشتر از واژگانی چون غصب «سرقت» و «تلاف» استفاده شده است. موضوع سخن در این گفتار همین معنا از جنایت است که در باب قصاص و دیات مطرح شده است. البته در برخی از منابع فقهی عنوان «کتاب جنایات»

جایگزین عنوان کتاب دیات و قصاص شده است؛ اما بعضی دیگر در کتاب جنایات قصاص و دیات در دو بخش جداگانه مطرح شده است و تعدادی نیز قصاص را ذیل عنوان جنایات و دیات را به عنوان مستقل تحت عنوان «کتاب دیات» بررسی نموده اند.

انواع جنایات جنایت به لحاظ ماهیت به قتل و ضرب و جرح به لحاظ متعلق به جنایت بر انسان و حیوان و به لحاظ داشتن و نداشتن قصد آسیب رسانی به عمد شبه عمد و خطایی تقسیم می گردد. جنایت عمدی عبارت است از جنایت شخص عاقل بالغی که قصد انجام دادن فعل و نیز آسیبی را که به سبب آن ایجاد شده، داشته باشد. جنایت شبه عمد عبارت است از جنایت شخص عاقل بالغی که قصد ارتکاب فعل منجر به آسیب را داشته، اما قصد آسیب زدن را نداشته باشد. جنایت خطایی نیز عبارت است از جنایت شخص عاقل بالغی که قصد ارتکاب فعل و نیز آسیب ایجاد شده توسط آن را نداشته باشد یا جنایت توسط نابالغ یا دیوانه صورت گرفته باشد. ماده ۲۸۹ که جنایت بر نفس را مترادف قتل و جنایت بر عضو را در ماده ۳۸۷ هر آسیب کمتر از قتل تلفظ کرده است.

جنایت عمدی بر انسان موجب ثبوت قصاص است و دیه بنا بر قول مشهور جز در صورت مصالح توافق جانی با آسیب دیده یا با اولیای مقتول ثابت نمی شود. جنایت شبه عمد بر انسان موجب ثبوت دیه در مال جانی و جنایت خطایی محض بر انسان موجب ثبوت دیه بر عاقله است.

۱-۱-۱- تعریف جنایت در قانون

قانون مجازات اسلامی ایران تعریف مستقلی از واژه جنایت ارائه نداده و در مواد متعددی که از این واژه رفتار ارتكابی نگاه مقنن به خود معطوف داشته و به عبارت روشن تر جنایت مترادف نتیجه به که نامبرده شده، معانی متفاوتی قابل استنتاج است. در برخی مواد منظور از جنایت آسیب حاصله بوده و جدای از رفتار ارتكابی نگاه مقنن به خود معطوف داشته و به عبارت روشن تر جنایت مترادف نتیجه به کار برده شده است.

۱-۱-۲- جنایت به معنای نتیجه

ماده ۲۹۰ ق.م. جنایت در مواد زیر عمدی محسوب می شود: الف. هرگاه مرتکب با انجام

کاری قصد ایراد جنایت بر فرد یا افراد معین داشته باشد. ب. هرگاه مرتکب عمداً کاری انجام می‌دهد که نوع آن جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد. ماده ۲۹۱ جنایت در موارد زیر شبه‌عمدی محسوب می‌شود: الف. هرگاه مرتکب نسبت به مجنی‌علیه قصد رفتاری را داشته باشد لیکن قصد جنایت واقع شده یا نظیر آن را نداشته باشد. ماده ۲۹۲ جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود. ب. جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی‌علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را... همچنین ماده ۲۸۷ ق.م. با وضوح بیشتری بر مترادف بودن آسیب با جنایت تأکید دارد. جنایت بر عضو عبارت است از هر آسیب کمتر از قتل مانند قطع عضو، جرح و صدمه‌های وارده بر منافع است. ماده ۵۲۵ این قانون نیز بر همین اساس تدوین شده است. هرگاه شخصی عملی انجام دهد که موجب تحریک یا وحشت حیوان گردد، ضامن جنایتهایی است که حیوان در اثر تحریک یا وحشت وارد می‌کند (جعفری جوزانی، ۱۴۰۰، ص ۶۷).

۳-۱-۱- جنایت به معنای رفتار

در بعضی مواد دیگر جنایت در معنای رفتار منتهی به آسیب قابل تفسیر است؛ به عنوان مثال، ماده ۱۷ ف ما مقرر می‌دارد قصاص مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس اعضاء و منافع است. واژه جنایت در ماده ۲۸۹ نیز مفید همین معناست (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۱۷) که به این موضوع اشاره دارد که جنایت بر نفس و عضو منفعت بر سه قسم عمدی، شبه‌عمدی و خطای محض است.

در مجموع به نظر می‌رسد منظور مقنن از جنایت، صدماتی است که در اثر رفتار یک انسان به دیگری اعم از انسان زنده، جنین یا مرده وارد می‌شود.

واژه «قتل» نیز در لغت به معنی ازاله روح از بدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۵۵) و از بین رفتن زندگی است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۹۳).

قتل یا جنایات موجب قصاص را از هاق‌الانفس و پایان دادن به حیات انسان زنده دیگری غیر از خود که محقون‌الدم باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، صص ۶۵-۶۶). تعریف و جنایات نسبت به مردگان، اشیا و حیوانات، خودکشی توسط خود و مهدورالدم از این تعریف استثناء می‌شود. ناموس نیز در فرهنگ عمید (اسم) (معرب، مأخوذ از یونانی) جمع:

نوامیس. عصمت و عفت؛ خواهر یا مادر یا همسر مرد که وظیفه حفظ حرمت آن‌ها بر عهده اوست تلفظ لفظ شده است. عنصر اساسی در تعریف نهان قتل‌های ناموسی واژه خشنونت است که درواقع به شکل افراطی تهاجم ترسیم می‌شود (هاشم‌بیگی و نجفی /برندآبادی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹۰) و می‌توان قتل ناموسی را رفتارهای خشنونت‌آمیزی که غالباً کشنده که مردان خانواده علیه زنان خانواده به‌دلیل مخدوش نمودن دایره عفت و عبور از خط قرمزهای عصمت که با قتل دختر و پسر توسط اعضای خانواده، فامیل یا جامعه اطلاق می‌شود که اعمال و رفتارهای آنها بر حسب عرف و هنجار جامعه غیراخلاقی تلقی شده و تهدیدی بر آبرو و شرف تلقی نمود. البته این‌گونه رفتار مجرمانه لزوماً به‌صورت مستقیم و مباشرتاً صورت نمی‌گیرد و گاه با فراهم آوردن وضعیتی غیرقابل تحمل و به تسبیب و غیرمستقیم ارتکاب می‌یابد که اجبار به خودکشی مصداق بارز این رفتار می‌باشد. البته بزهکاران قتل‌های ناموسی با قتل‌های احساسی و بزهکاران آن که افرادی بدون تفکر و فاقد سبق تصمیم و آمادگی قبلی و آشکارا مرتکب جرم می‌شوند متمایز هستند، زیرا که بزهکاران قتل‌های ناموسی غالباً با سوءنیت و برنامه‌ریزی قبلی می‌باشد. باتوجه به جایگاه انکارناپذیر ناموس به‌خصوص در میان طوایف، این امر عمدتاً به دستاویزی برای اعمال خشنونت علیه زنان به‌کار برده می‌شود.

مرکز توجه حقوق، انسان و اطراف اوست. سینما هم برآمده انسان و درباره انسان و اطراف اوست. فیلم‌های حقوقی نشان می‌دهند که مفاهیم و پدیده‌های حقوقی در بستر تاریخ و اجتماع، حضوری لازم و جاودانی دارند و از خصوصیات ذاتی و طبیعی زندگی بشری هستند. تنوع فیلم‌های حقوقی بر ما می‌نمایاند که دشواری‌های زندگی انسانی و تشکلهای بشری، بی‌پایان است و از چنبره اختلاف‌نظرها و تناقض‌گویی‌ها خلاصی نمی‌توان یافت. این فیلم‌ها آمیختگی دادرسی‌ها را با سیاست، قدرت، ثروت، شهرت و شهوت، به‌خوبی نشان می‌دهند و نظر بیننده را نسبت به کارکرد عینی و عملی حقوق و قانون، دقت و وسعت می‌بخشند (ماچورا و رابسون، ۱۳۸۶، ص. ۵). خانواده نظام ارتباطی منحصر به فردی است که با روابط دوستی و کاری متفاوت است. ورود به چنین نظام ارتباطی سازمان‌یافته‌ای، صرفاً از طریق تولد یا ازدواج صورت می‌گیرد. ارزش اصلی

خانواده، حاصل شبکه روابطی است که توسط اعضای آن به وجود آمده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۱۳۹۲: ص. ۱۰). ارتباطات در میان اعضای خانواده همواره به عنوان جنبه‌ای از روابط اصلی بین فردی برای تحقق بخشیدن به پویایی روابط خانوادگی در نظر گرفته می‌شود به طوری که می‌توان گفت: ارتباط مؤثر سنگ زیربنای خانواده کارآمد است (اسدی، ۱۳۸۸: ۳۷).

۲- گفتار دوم

در این گفتار به بررسی فیلم سینمایی خانه پدری و با علت‌شناسی پدیده مجرمانه و دلایل مختلف آن با نگاه تطبیقی به واکاوی موضوع می‌پردازیم.

۲-۱- مبحث نخست: فیلم خانه پدری

کیانوش عیاری یکی از معدود کارگردانان ایرانی است که علت‌شناسی پدیده و رفتار اعم از فعل یا ترک فعل را در بستر بومی سرلوحه هنر خود قرار داده است. سینما را جایی برای گفتن حرف‌هایی که تنها قشری که زبان اختصاصی با او دارند انتخاب نکرده و از اشتراک درک و دردهایش از جامعه با عموم مردم سخن به میان آورده است.

عیاری به عنوان کارگردانی که دغدغه اجتماعی دارد و همواره روایتی متفاوت با هنجارها ارائه می‌دهد به سراغ مسئله حقوق زنان رفته است. با سبک واقع‌گرایانه‌ای که انتخاب نموده به موسیقی اندکی که بی‌نظر است بسان حس انتقام می‌نگرد که شاید در لحظه‌ای منتقم را ارضا کند، ولی خیلی زود و اندازه عمر موسیقی فیلم از تصمیم خود پشیمان می‌شود.

در این فیلم با روایتی فرسایشی و تلخ از دوران قاجار تا معاصر به قتل دختر یک خانواده توسط برادر و پدرش پرده برداشته می‌شود که به عنوان قتل فامیلی یا خانوادگی، خواهری که احتمال ارتکاب یک اشتباه شده؛ اما اجتماع او، اشتباه او را نمی‌پذیرد، می‌توان تعبیر نمود خانه پدری که استعاره‌ای از جغرافیا و تاریخ سرزمین ایران می‌باشد که در کنار زیبایی‌های تصویری موجود در فیلم، به ترسیم تنها قربانیان این‌گونه جرایم که همانا زنان سرزمین خود که در صورت احتمال و نه حتی خود خطا،

جایگاهی در خانه پدری برایشان متصور نیست و آن خانه تبدیل به زندان و نقش قاضی و مجری حکم را یک فرد با تصمیماتش امضا و با رفتارش بازی می‌کند.

هرچند همان‌طور که اشاره شد قربانیان قتل‌های ناموسی زنان هستند؛ ولی در خانه پدری، کارگردان جان دختر را در ترازویی و حس بی‌آبرویی مردان خانه را در کفه دیگر تراز و هم‌سنگ هم قرارداده و گویی باهم قربانی فرهنگ مخفی‌گرا و آبروپرست می‌شوند. این اثر سینمایی به دلیل بکربودن موضوع و توقف اکران و سانسورهای متعدد که خود گویای دغدگمندی صاحب اثر می‌باشد، شایسته تحلیل و بررسی است.

خانه پدری درباره فرهنگ مردسالاری و تضییع حقوق زنان که مبتنی بر واقع‌گرایی برگرفته از حوادث روزنامه‌ها و اتفاقات جامعه مردسالار ایران را با گریز به سال ۱۳۰۸ به تصویر می‌کشد. در اواخر دوره قاجار، پدری سنتی با همدستی پسرش اقدام به قتل دخترش که صرفاً مورد شک خانواده و فامیل قرار گرفته می‌کند و او را در زیرزمین خانه خاک می‌کند. ملوک، دختر جوانی است که به دلایل ناموسی، پدرش خواهان مرگ او است و برای اینکار به پسر کوچکش به نام محتشم گفته تا قبری در زیرزمین حفر کند تا ملوک را کشته و در آنجا دفن کنند.

در اینجا دیگر بی‌گناهی یا مجرم بودن دختر ملاک نیست، بلکه تعصب کورکورانه محکوم است که نمی‌تواند راه‌حلی برای چنین چالشی بیابد و با دستمایه قرار دادن غیرت و آبرو راه‌حلی جز کشتن و پاک کردن صورت مسئله نمی‌یابد.

زن‌ها همه مدعی خون دختر، اما مردان با تلفظ لفظ غیرت مانع اساسی اثبات ادعای زنان می‌شوند، ولی با تغییر زن سنتی نسبت به زن مدرن که زنان فرش‌بافت با کمک فناوری به دکترهای آینده تغییر سبک داده‌اند و مردان داستان با ساکن بودن و زنان اثر با حاکم شدن بر این بدعت که درنهایت موازنه قدرت در این خانواده به یک تعادل می‌رسد، حرکت و این عادت را به بدعت مبدل می‌کنند.

در پایان هم قاتل نه در دادسرا و دادگاه، بلکه با قرار گرفتن در محکمه واقعی وجدان خود در خلوت به محاکمه خود می‌پردازد و خود را مستحق قصاص می‌داند و دچار سگته مغزی می‌شود، مرگی در درون تاریخ و عادلانه هر چند که می‌توان واقعیت را زیرخاک

کرد و درب آن را با توحش تمام بست، ولی ندای عدالت و عذاب وجدان را در کفه‌ای از ترازو سنگین‌تر از پنهان‌کاری و فرار از حقیقت در خلوت خود و گذشت زمان دید.

۲-۲- مبحث دوم: تعارض فرهنگی

پیشرفت در فناوری یا به اصطلاح مدرنیته بودن سبب گذار از جهل و تعصب به درک و تعامل در موضوع نمی‌شود که بتواند راهگشایی برای تغییر سبک زندگی شود، چراکه تغییرات بنیادی نیاز به تعریف صحیح از موضوع و نهادینه‌سازی آن فرهنگ دارد. هر فرهنگی دارای هنجارهایی است که با همدیگر انسجام و یکپارچگی دارند و نیز دارای ارزش‌هایی است که یک‌سری قواعد و مقررات منع‌کننده دارد. ارزش‌هایی که به‌برخی رفتارها و عملکردها ارزش می‌دهند؛ به‌طورمثال، در ابتدای فیلم سینمایی اعتراض در تقدیس بزهکار قتل ناموسی یکی از همفکرانش در زندان به ستایش وی می‌پردازد و او را مردی که برای شرف و ناموسش ۱۰ سال حبس‌کشیده، قدیس می‌داند و گاهی نیز دیگران این نوع رفتار را نکوهش می‌کنند که در فیلم اعتراض برادر مجرم با نگاهی متفاوت به موضوع، تصمیم برادر خود را ابلیسانه و از روی خشم و با گفتارش به تنبیه و تنب او با توجه به نگاهش به زندگی دعوت می‌کند. فرهنگ، رفتار و گرایش اشخاص را جهت‌دهی کرده و به شخصیت افراد شکل می‌دهد. گاهی اوقات فرهنگ با مجاز شمردن و یا بدتر از آن دستور دادن به ارتکاب عملکردهای خشنونت‌آمیزی که توسط قوانین داخلی کشور منع شده است، یک گروه خاص را ترغیب می‌کند و تعارض فرهنگ‌ها که همان تضاد موجود قوانین یک کشور و هنجارهای خاص یک گروه است ایجاد می‌شود و هنگامی که تعارض فرهنگ‌ها شکل بگیرد اطاعت از هنجارهای خرده‌فرهنگی می‌توانند به‌عنوان عملکرد مجرمانه خود را نشان دهد (کسن، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

نمونه مقایسه این‌گونه خرده‌فرهنگ‌ها را در عقاید مردسالارانه صرف یا آداب و رسوم قبیله‌ای عشیره که در حتی آیین دادرسی و حل‌وفصل منازعات را با قانون و نگاه خود فصل و مختومه می‌کنند، ولی خطرناکترین حالت این است طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ماده ۳۸۱، مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و سایر شرایط

قصاص و... ولی طبق نظر بزرگان یا صاحب‌نظران در خرده‌فرهنگ به‌دلیل اینکه خود را مستقل می‌دانند، قتل ناموسی را با کلمات تحریک‌آمیز، به‌طورمثال با تلفظ لفظ بی‌غیرت یا در ستایش این‌گونه رفتار که فاعلین این‌گونه پدیده‌های مجرمانه را قهرمان یا انجام تکلیف مثل رسم اجرای قتل ناموسی که در میان قبایل خوزستانی به نهوه کردن که نخست برادران، عموزاده‌ها، عموها و پدر و سپس سایر افراد ذکور خانواده در اولویت قرار دارند و چنانچه شخص انتخاب‌شده از انجام این عمل سرباز زند، از طایفه طرد خواهد شد.

۳-۲- مبحث سوم: نگاه تطبیقی

اخلاق عمومی موضوع فصل هجدهم قانون تعزیرات می‌باشند، لیکن هرگاه جرایم به عنف و اکراه ارتکاب یابند، هم جرمی علیه عفت و اخلاق عمومی محسوب می‌شوند و هم با عنایت به بی‌توجهی مرتکب نسبت به اختیار قربانی در مورد جسم و تن خود و با توجه به آثارسوء جسمانی، روانی و حیثیتی که این جرایم می‌تواند برای قربانی به‌دنبال داشته باشد، جرم علیه اشخاص نیز تلقی می‌گردند.

تجاوز و تهاجم جنسی در برخی از کشورها جزء جرایم کثیرالوقوع با مجازات‌های نسبتاً سنگین می‌باشد؛ برای مثال طبق آمار موجود در انگلستان و ولز، همه‌ساله پانصد هزار زن قربانی تهاجم جنسی می‌شوند. تفاوت عمده بین فقه اسلامی و حقوق کشورهای غربی در مورد جرایم جنسی آن است که در نظام‌های حقوقی مغرب زمین، اعمال جنسی جز در موارد خاصی مثل زنا با محارم یا وطی بهائم یا در اختیار داشتن عکس‌های مستهجن کودکان تنها در صورت به عنف و اکراه بودن جرم است و مشمول مجازات می‌شود. لیکن منظور از عنف و اکراه در اینجا تنها خشونت‌آمیز بودن عمل نیست، بلکه در موارد مختلفی طرف مقابل از نظر قانون ناراضی محسوب و در نتیجه ارتکاب عمل جنسی با وی جرم می‌باشد؛ برای مثال از نظر حقوق، انگلستان بنا به یک فرض قانونی غیرقابل رد، کودکان کمتر از شانزده سال را هیچ‌گاه نمی‌توان راضی به ارتکاب عمل جنسی با افراد بالای هجده سال دانست و کودکان کمتر از سیزده سال به ارتکاب عمل

جنسی با هیچ کس راضی فرض نمی‌شوند و بنابراین رضایت ظاهری آنها فاقد ارزش می‌باشد. همین‌طور ارتکاب عمل جنسی؛ مثلاً تجاوز علیه شخص خواب مست بیهوش عقباتاده ذهنی یا تحت بازداشت در حکم ارتکاب به عنف و اکراه است، مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. تحصیل رضایت با خدعه و فریب نیز در حکم عدم رضایت است؛ مثل موردی که کسی به زنی وانمود کرده بود که منظور وی از رابطه جنسی انجام یک معاینه پزشکی بر روی زن است یا پرونده دیگری که در آن مردی با فریب دادن سه زن، نسبت به اینکه دارای تحصیلات پزشکی است و قصد انجام تحقیقاتی را در مورد سرطان سینه دارد به معاینه سینه‌های آنها پرداخته بود و ازسوی محاکم انگلستان علی‌رغم رضایت ظاهری زنان و با توجه به فریب خوردن آنها، به ارتکاب جرم تهاجم و قیحانه و منافی عفت محکوم شد یا مثل وقتی که مردی به زنی وانمود می‌کند که شوهر یا دوست پسر اوست، و بدین‌شکل، رضایت وی را به برقراری رابطه جنسی جلب می‌نماید. در مورد اخیر، علامه حلی نیز در تبصره المتعلمین آورده است: «اگر زن بیگانه خود را در آغوش مردی افکند و چنان به او وانماید که زن اوست حد زنا بر زن جاری می‌شود نه بر مرد. لیکن، صرف اینکه مرد خود را مجرد یا مبری از بیماری‌های مقاربتی و ایدز جا زده و بدین‌وسیله رضایت زن را به برقراری رابطه جنسی جلب کند، یا با دادن وعده‌ای؛ مثلاً دادن پول یا شغل یا ازدواج کردن زن را راضی کرده، ولی بعد به وعده خود عمل نکند، موجب نخواهد شد که عمل ارتكابی از نظر حقوق انگلستان تجاوز جنسی محسوب شود. محاکم هندوستان نیز صرف برقراری رابطه با وعده دروغ ازدواج را موجب تجاوز محسوب شدن عمل نزدیکی جنسی ندانسته‌اند. به‌علاوه، تا سال ۱۹۸۴ در حقوق انگلستان رضایت اولیه زن به دخول کفایت می‌کرد. لیکن در این سال در پرونده کایتاما کی مقرر شد که آمیزش جنسی یک عمل مستمر است و هرگاه زن در هر لحظه از آن عدم رضایت خود را ابراز کند، ادامه رابطه از سوی مرد می‌تواند تجاوز جنسی محسوب شود. این موضع در «قانون جرایم جنسی، مصوب سال ۲۰۰۳ به‌صراحت مورد پذیرش قرار گرفته است. نکته قابل توجه دیگر در حقوق انگلستان این است که از سال ۱۹۹۲، پیرو تصمیم اتخاذ نیست.

رابطه جنسی شوهر با وی در هر شرایطی اعلام کرده است دیگر فرض مقبولی جرم تجاوز جنسی در حقوق انگلستان تنها ازسوی مرد علیه مرد یا زن دیگر قابل ارتکاب است و برای تحقق آن باید آلت تناسلی مرد وارد قبل یا دیر زن یا دیر مرد دیگر شود. تحولات بعدی وارد کردن آلت تناسلی به دهان دیگری را نیز تحت شمول همین تعریف قرار داده‌اند. نکته جالب در مقایسه با فقه اسلامی این است که همان‌طور که فقها ادخال آلت تناسلی اصلی را شرط تحقق زنا دانسته و داخل کردن آلت تناسلی غیراصلی فرد خنثی را موجب تحقق زنا ندانسته‌اند، در حقوق انگلستان نیز بنا به تصریح قانون منظور از «مرد» که می‌تواند مرتکب جرم تجاوز جنسی شود، کسی است که به شکل جنس مذکر متولد شده است و شامل افراد دو جنسیتی، که با عمل جراحی تغییر وضعیت داده‌اند نمی‌شود. به‌علاوه، از سال ۱۹۹۳، این فرض قانونی که پسر بچه‌های زیر چهارده سال نمی‌توانند مرتکب تجاوز جنسی شوند به‌موجب قانون لغو شده است.

داخل کردن سایر اعضای بدن یا اشیای دیگر به قبل یا دیر دیگری موجب تحقق جرم تهاجم به‌وسیله دخول در حقوق انگلستان می‌شود. علی‌رغم اینکه مجازات این جرم نیز مثل جرم تجاوز جنسی حداکثر حبس دائم است، دادگاه‌ها معمولاً این جرم را سبکتر از تجاوز جنسی می‌دانند و مجازات کمتری را برای آن تعیین می‌کنند. جرم سبکتری نیز تحت عنوان «تهاجم جنسی» وجود دارد که شامل بسیاری از اعمال منافی عفت علیه دیگران؛ مثلاً لمس کردن اعضای بدن دیگری می‌شود و حداکثر مجازات آن ده سال حبس است. سایر جرایم منافی عفت مشتمل بر نقض حریم خصوصی دیگران هم قابل مجازات می‌باشد. تحقق عنصر روانی جرایم جنسی در حقوق انگلستان منوط به آن است که مرتکب به‌طور معقولی اعتقاد به اینکه طرف مقابل از عمل جنسی راضی است، نداشته باشد. *عنف و اکراه و عدم رضایت می‌تواند دامنه گسترده‌ای داشته باشد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص. ۵۷۳ و ۵۷۵).* امام خمینی در تحریرالوسیله می‌فرماید *عنف همان عدم رضایت است، یعنی عنف همان کراهت است. کراهت یعنی اینکه مجنی علیه میلی نداشته باشد. باتوجه به نظریه‌های فوق و دیدگاه‌های مختلف به بررسی تطبیقی موضوع پرداختیم.*

نتیجه‌گیری

کیانوش عیاری با ظرافت و هوشمندی مضامین جهان‌شمولی چون تعصبات، پنهان کاری، عواقب اعمال انسان در زندگی، سرکوب‌های جامعه و... را در فیلم خود مطرح می‌کند. در تحلیل علل وقوع قتل‌های ناموسی، علل فرهنگی و اجتماعی متعددی دخالت دارند که مهمترین آنها باتوجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی، حاکمیت مردسالاری و بزرگسالاری در خانواده، فقر شدید فرهنگی، تعصب شدید و بی‌جا به آیین‌های قومی و تبعیض بین زنان و مردان و وجود آیین‌های فرهنگی برای ازدواج اجباری ازجمله، خون‌بس و ناف بریدن و اعتقاد غیرقابل انکار به این آیین‌ها حتی ازسوی ذکور تحصیل‌کرده خانواده‌ها و طوایف می‌باشند. وجود مراکزی برای ملجاء بزه‌دیدگان آینده این نوع جرایم برای حفظ جان و روان‌شناسی شخصیت این افراد در مقابل آسیب‌های ناشی از رفتارهای نابه‌هنگار واقع‌شده، ارتباط این نوع مراکز با آموزش و پرورش با ارائه مدلی مناسب جهت الگوسازی افراد کمتر در معرض خطر و همکاری با قوه قضائیه برای ارائه تعریفی مناسب و نقادانه درجهت مقابله با مجموعه رفتارهایی که موجب بروز خشونت‌هایی که ریشه در تعصبات و بدعت قتل‌های ناموسی دارد. نمایش علل این‌گونه رفتار در رسانه‌های تصویری و درمعرض قضاوت قرار دادن افراد جامعه برای مقابله با قتل‌های خانوادگی، از مواردی است که برای مبارزه با خشونت‌های خانوادگی می‌توان پیشنهاد داد.

منابع

- آقای‌نیا، حسین (۱۳۹۴)، *جرایم علیه اشخاص*، تهران: میزان.
- اسدی، مسعود (۱۳۸۸)، *بررسی تأثیر گروه‌درمانی کوتاه‌مدت ستیر بر الگوهای ارتباطی زوج‌ها*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه تربیت معلم.
- جعفری جوزانی، میلاد (۱۴۰۰)، *جنایات اکراهی در نظام فقهی - تقنینی ایران*، همدان: روزاندیش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲)، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالعلم الدارالشامیه.
- کسن، موریس (۱۳۹۴)، *اصول جرم‌شناسی*؛ ترجمه میرروح‌الله صدیق، تهران: دادگستر.
- گلدنبرگ، ایرنه و گلدنبرگ، هربرت (۱۳۹۲)، *خانواده‌درمانی*؛ ترجمه حمیدرضا حسن‌شاهی براواتی، سیامک نقشبند و الهام ارجمند. تهران: نشر روان.
- ماچورا، استفان و رابسون، پیتر (۱۳۸۶)، *حقوق و سینما*؛ ترجمه عباس ایمانی. تهران: نامه هستی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۰)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲)، *جنایات علیه اشخاص*، تهران: میزان.
- هاشم‌بیگی، حمید و نجفی ابرندآبادی، حسین (۱۳۹۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران: گنج دانش.